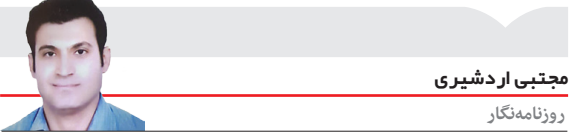


گزارش «فرهیختگان» از تعداد و هزینه‌های فیلم‌های سینمایی دیوشده ایران و راهکارهای خروج از این وضعیت

# رئیس سازمان سینمایی با ۱۰۰۰ میلیارد تومان سرمایه دیوشده چه می‌کند؟



مجتبی اردشیری

روزنامه‌نگار

یکی از سنگ‌های بزرگ پیش‌پای مدیریت جدید سینمایی، کوتاه کردن حجم فیلم‌های مانده در صف‌اکران است؛فیلم‌هایی که برخی منابع آزاد،تعداد آنها را تا ۳۰۰فیلم و برخی مدیران سینمایی نیز آن را تا ۱۲۰ فیلم عنوان کرده‌اند. اماچه این تعداد فیلم، ۱۲۰ عنوان باشدو چه ۳۰۰ فیلم، معضل بزرگی برای سینمای ایران تلقی می‌شود که با انباشت ماه به ماه فیلم‌های ایرانی تازه تولیدشده، هم پروسه اکران خود را با معادلات مهمی همراه ساخته‌اندو هم کار نمایش فیلم‌های تازه تولیدشده را با پیچیدگی‌هایی همراه می‌کنند. قطعاً رفت‌و رفت ه همین یک مورد، اقتدر زمانبر و دشوار خواهد بود که رئیس سازمان سینمایی را مجاب کند که بخواد در ابتدا، این پست پیشنهادی را نپذیرد. تکثر فیلم‌های دیوشده به استهلاك سرمایه‌های سینمایی منجر می‌شود که هر روز ارزش ریالی آن کاهش می‌یابد. ضمن آنکه هرچه این صف طول تر شود، سیاست‌های اجرایی سازمان سینمایی برای رفع و رجوع این بحران، سخت‌تر و هماهنگی‌های آن دشوارتر می‌شود. آن هم در شرایطی که امروز، هنوز سامان دادن به فیلم‌های دیوشده را شروع نکرده‌ایم و هیچ ریل شخصی نیز برای این مسیر طرحی نشده است. در چنین بلشجویی، رئیس سازمان سینمایی انتخاب می‌شود. البته محمد خزاعی یک پوئن مثبت برای کرسی سازمان سینمایی دارد و آن اینکه، خود از اهالی و مدیران سینمایی است و این، میانبر مناسبی برای اصلاح هرچه سریع‌تر ساختار نمایش فیلم در ایران است؛ اتفاقی که پس از رفتن جواد شمقدری به‌عنوان نخستین رئیس سازمان سینمایی، حالا برای پنجمین رئیس این سازمان تکرار شده و حالا باید منتظر گام‌های جدید برای اصلاح این ساختار باشیم.

البته که آقای رئیس جدید، در کنار تمامی مشکلات ریز و درشتی که در این مسیر با آن مواجه است، باید یک مشکل مهم دیگر نیز دست به گریبان است و آن، بودجه بسیار محدود این سازمان است که برای ۶ ماه پایانی امسال، کمتر از ۱۰۰ میلیارد تومان خواهد بود. ۱۰۰ میلیاردی که حتی اگر تمام آن برای همین یک گزینه «مهندسی نمایش فیلم‌های مانده در صف اکران» نیز خرج شود، باز کفاف آن را نخواهد داد.

برای ورود به‌وجوه آسیب‌شناسانه این مهم، لازم است در ابتدا به داده‌های آماری متقن رجوع کنیم.

### چه تعداد فیلم آماده، منتظر اکران هستند؟

حدود یک‌سال پیش بود که برخی منابع، تعداد فیلم‌های آماده‌نمایش ایرانی را ۳۰۰ فیلم عنوان کردند. آماری که خیلی زود واکنش برخی مدیران سینمایی را در پی داشت و آنها تعداد واقعی این فیلم‌ها را ۱۲۰ عنوان اعلام کردند.

اما برای پی‌بردن به آمار واقعی این فیلم‌ها، راهکار بسیار ساده‌ای وجود دارد. در سال ۹۸، طبق آمارهای رسمی، اعلام‌شد ۱۱۵ فیلم فرم حضور در جشنواره فجر را پر کرده‌اند. فیلم‌هایی که احتمالاً مت‌آنها تا پایان همان سال موفق شدند، مرحله فیلمبرداری را به‌انتهای برسانند. این درحالی است که تا پایان همان سال، حدود ۲۰ فیلم از سال ۹۶ مانده بود که هنوز اکران نشد. با این حال، تا پایان سال ۹۸، ۱۳۵ فیلم آماده‌نمایش ایرانی وجود داشت. در جشنواره سال ۹۹ نیز اعلام شد ۱۱۰ فیلم، فرم حضور در این رویداد را پر کرده‌اند که با احتساب آن ۱۳۵ فیلم مانده از دو سال قبل، این آمار به ۲۴۵ فیلم افزایش یافت. در ۶ ماه نخست امسال، طبق آمارها، ۲۵ فیلم جلوی دوربین رفته یا مت‌صد تکلیف خوردن بودند که تعداد فیلم‌های ایرانی را به ۲۸۰ فیلم می‌رسانند؛ آماری که قطعاً تعداد آن تا پایان امسال، از ۳۰۰ فیلم نیز فراتر خواهد رفت.

حال اگر در بهترین حالت، نیمی از این فیلم‌ها را آثاری با پروانه ساخت ویدئویی یا مناسب برای نمایش در گروه هنر و تجربه لحاظ کنیم، به آمار ۱۴۰ فیلم تا پایان ۶ ماهه نخست امسال می‌رسیم که آمار درخور توجهی است. البته که اگر بخواهیم یک فیلم‌های نمایش داده‌نشده قبیل ۹۷ یا آثار توقیفی را هم لحاظ کنیم، قد‌رسم‌ل تعداد فیلم‌ها، مرز ۱۵۰ اثر اداری می‌نوردد. بنابراین برای قربانی نشدن آمار حقیقی و آنکه روزه‌هایی برای نمایش برخی فیلم‌های توقیفی به وجود آمده، همان ۱۵۰ فیلم را به‌عنوان تعداد آثار مانده در صف‌اکران لحاظ می‌کنیم.

### چند میلیارد تومان سرمایه هم‌اکنون دیواست؟

برای سینمایی که در آخرین سال نرمال نمایش خود، تنها ۳۰۰ میلیارد تومان گردش سرمایه داشته، بسیار مهم است که بدانند هم‌اکنون چه میزان سرمایه دیوشده دارد. دانستن این نکته از چند منظر بسیار مهم است؛ مهم‌تریش آن است که می‌توان خط‌روبط پول‌های مشکوک و سرمایه‌های غیرشرعی که وارد سینما شده و سبب شده تا سود در تولید به جیب برخی سازندگان سرازیر شود را پیدا کرد.

با استعلامی که «فرهیختگان» از دو تهیه‌کننده به عمل آورد، هزینه تولید یک درام آپارتمانی با دو بازیگر مطرح، بین ۴ تا ۶ میلیارد و هزینه درام شهری که پرلوکیشن باشد و تعداد بازیگران مطرح آن به پنج نفر برسد، به ۷ تا ۱۰ میلیارد تومان می‌رسد. حالا اگر فیلمی امتیاز اضاف‌ای چون لزوم پرخورداری از جلوه‌های ویژه یا پروداکشن عظیم جنگی یا لجستیکی را بطلبد، این مقدار به فراتر از ۱۰ میلیارد تومان می‌رسد.

با توجه به آنکه اکثر تولیدات سینمایی ایران، از نوع درام‌های شهری و اجتماعی یا کمدی هستند، در نظر گرفتن متوسط هزینه ۶ میلیارد برای هر فیلم، می‌تواند رقمی استاندارد و منطقی به نظر برسد. با ضرب ۶ میلیارد در ۱۵۰ فیلم مانده در صف اکران متوجه می‌شویم ۹۰۰ میلیارد تومان سرمایه هم‌اکنون در دیوی سینمای ایران قرار دارد. یعنی سه برابر فروش گیشه سینمای ایران در آخرین سال نرمال یا به عبارت دیگر، سه برابر سرمایه صنعت سینمایی ایران، در دیو قرار دارد که عجیب ذهن‌ها را به سمت بازار کشور در دوران تحریم و احتکار برخی کالا‌های اساسی معطوف می‌کند که ارزش ریالی آثار احتکارشده، چندین‌برابر محصولاتی از همان نوع بود که در بازار آزاد و در دسترس مردم قرار داشت.

حالا اگر به ۱۴۰ فیلم دیگری که مربوط به آثار ویدئویی و تجربه‌ه هستند، بپردازیم و متوسط هزینه تولید هر یک از این آثار را تنها ۲۰۰ میلیون تومان در نظر بگیریم، به هزینه

۹۸ میلیارد تومانی می‌رسیم که با در نظر گرفتن ۹۰۰ میلیارد فیلم‌های بلند سینمایی، متوجه می‌شویم که سرمایه دیوشده سینمایی ایران، به ۱۰۰۰ میلیارد تومان می‌رسد؛ رقمی که قطعاً با تداوم روند تولید فیلم و سرعت گرفتن آن در ۶ ماه دوم امسال، از این مقدار نیز فراتر خواهد رفت.

نکته عجیب ماجرا آنکه، سینمای ایران مگر چه تعداد سرمایه‌گذار و تهیه‌کننده دارد که بخواند ۱۰۰۰ میلیارد سرمایه دیوشده روی دست سینمای ایران بر جای بگذارند؟! و عجیب‌تر آنکه قطار تولید سینما در کشور، با این میزان دیوی سرمایه، همچنان عطشناک و جسورانه، باز به حرکت ادامه داده و دایره تولید آثار را به سمت شبکه نمایش خانگی نیز گسیل داشته است! در سیستم و اقتصادی که بر مبنای عرضه و تقاضا تعریف نشده و سرمایه‌گذار و تهیه‌کننده یک کار، منتظر نمایش اثر خود برای تأمین هزینه فیلم بعدی اش نمی‌ماند، این گونه می‌شود که یک فرد، صاحب چندین فیلم دیوشده است. ضمن آنکه این آمار، بار دیگر این گزاره را که در سینمای ایران، سود در تولید تقسیم شده و به جیب برخی تهیه‌کنندگان و بازیگرها می‌رود، قوت داده و حالا دیگر نباید صرفاً روی نمایش فیلم‌ها مانور داد بلکه باید به بررسی جوانب وزوایای مختلفی که این لوپاتان، به‌تازگی سروشکل پیدا کرده و سبب شده تا روند دور زدن سود در تولید، زیرکانه و رندانه‌تر شود، بپردازیم. جوانبی که فارغ از قرارداد‌های صوری، باید پای رمزارزها، بازار ارز و شبکه و نقش دلالتن در آن را مورد بررسی قرار داد تا به اطلاعات جدید و به‌روزی در سینمای ایران رسید.

فسادهایی که قطعاً از محل دیوی آثار سینمایی می‌توان به نقش ظریف و پنهانی آنها دست یافت. حالا دیگر سبک سرانه خواهد بود که تمام تلاش را تنها روی نمایش صرف آثار دیوشده خلاصه کنیم. مقوله فیلم‌های دیوشده با فسادراتنی در سینمای ایران عجین شده و اگر به این دو بال، به موازات یکدیگر پرداخته نشود، باری از شانه سینمای ملی خالی نخواهد شد. این، یکی از اصلی‌ترین و مهم‌ترین برنامه‌های کوتاه‌مدت، میان‌مدت و بلندمدت سازمان سینمایی در دوره مدیریت جدید است که باید از طریق ریل‌گذاری و قانون‌گذاری‌های مشخص، بدان ورود کرد و نوک پیکان شفاف‌سازی‌های سازمان سینمایی را به این سمت معطوف کرد.

### سینمای ایران، سالانه بضاعت نمایش چند فیلم را دارد؟

یکی از پارامترهایی که نسبت کاملاً مستقیمی با کاهش فیلم‌های دیوشده ایرانی دارد، بضاعت سینمای ایران برای نمایش سالانه خود است؛ بضاعتی که هم تعداد سالن‌های سینمایی موجود را نشانه گرفته و هم سیاست‌هایی در اکران که اگر بخواد از همان پارادایم قبلی پیروی کند، به یک شکست مضطحانه خواهد انجامید.

بگذاردیم برای روشن شدن بیشتر ابعاد این بحث، به سال ۹۸ که آخرین سال نرمال سینمایی کشور بود، ورود کنیم. در سال ۹۸، سینمای ایران حدود ۵۸۰ سالن سینما در سراسر کشور داشت که با این ظرفیت توانست تنها ۷۱۱ فیلم را نمایش دهد. در سال ۹۹، از تعدادی سینما که عمدتاً دولتی بودند، رونمایی شد تا تعداد سالن‌های کشور در پایان سال ۹۹، به ۶۳۱ سالن افزایش یابد. با تداوم این روند، هم‌اکنون تعداد سالن‌های سینمایی در کشور، به بعد ۶۶۰ رسیده و بعید نیست این تعداد تا پایان امسال به ۷۰۰ سالن نیز افزایش یابد.

در این آمار و ارقام، دقت روی یک موضوع بسیار حائزاهمیت است. این آماری که از تعداد سالن‌ها ارائه شد، آمار خام سالن‌ها در کشور است که بسیاری از آنها فعال نبوده و اصلاً برای امسال و سال گذشته، گشایشی نداشته‌اند. مثلاً از ۶۳۱ سالن سینما تا پایان سال ۹۹، تنها ۴۴۸ سالن آن به نمایش فیلم پرداختند. وقتی می‌گوییم تا پایان سال ۱۴۰۰، ۷۰۰ سالن نمایش فیلم در ایران وجود دارد، حتی آن سازه‌هایی سینمانی که در مال‌ها تمییه شده و هیچ صندلی در آن نصب نشده، نیز در آمار لحاظ شده بنابراین بسیار بعید خواهد بود که لااقل در شرایط فعلی، بیشتر از ۵۰۰ سالن به نمایش فیلم مشغول باشند. واکاوی مادر سمفا به عنوان تنها مرکز جامع اطلاعات مربوط به گیشه، تخمین‌ها را از این تعداد نیز پایین‌تر می‌آورد. به‌طوری که طبق اطلاعات سمفا، برای روز گذشته (جمعه ۹ مهر)، ۱۹۲۰ سالن، در یک هفته اخیر، ۳۲۹ سالن، در یک ماه اخیر ۳۴۳ سالن و از ابتدای امسال تا امروز، تنها ۴۱۲ سالن سینمایی در ایران بلیت فروخته و به نمایش فیلم پرداخته‌اند. بنابراین تعداد سالن‌های فعال سینمای ایران در سال ۱۴۰۰، حدود ۱۰ درصد کمتر از سال سینمایی ۹۹ است که این، دامنه بحران را بیشتر می‌کند.

درواقع اگر در اکران روی همان پاشنه‌قبلی سیاستگذاری‌های اکران بچرخد و تنها ۷۰۰ فیلم در طول یک‌سال نرمال نمایش داده شود، بیش از دو‌سال طول خواهد کشید تا تنها همین ۱۵۰ فیلم بلند سینمایی مانده پشت در اکران، نمایش داده شوند. تولیدات سالانه، دومین‌ووار افزوده می‌شوند و این صف، هیچ‌گاه کوتاه نشده و محصولات همواره بیات، به‌خورد مخاطبان اندک سینمای ملی که تعدادشان در ۶ ماه نخست امسال به یک میلیون نفر هم نرسیده، خواهد داد.

### راهکار کاهش این تعداد فیلم چیست؟

در نخستین نگاه، سه مسیر برای کاهش صف اکران وجود دارد: سازماندهی مقوله اکران، اکران اینترنتی و شرکت دادن آثار در جشنواره‌های مختلف. طبق آخرین ورژن تروه‌بندی، نمایش فیلم در هفت گروه‌بندی صورت‌می‌گیرد که این گروه‌بندی‌ها در ۶ ماهه دوم سال با اضافه‌شدن «گروه آزاد» به ۸ گروه می‌رسید. این گروه‌ها، زیرمجموعه‌هایی در تهران و شهرستان‌ها داشتند که سبب می‌شد تا فیلم‌ها علاوه‌بر سرگروه، در سینماهای زیرگروه آنها در سراسر کشور نمایش داده شوند.

طبق این ریل‌گذاری، سینمای ایران در طول سالیان اخیر، مابین ۷۰ تا ۸۰ فیلم را نمایش می‌داد. البته که از این تعداد، شاید حدود ۲۰ درصد از

صاحبان آثار نمایش داده شده راضی بودند و مابقی به اتفاق‌هایی نظیر فیلم‌سوزی یا تبعیض در نمایش اعتراض داشتند. بنابراین، پیروی از شرایط قبل با این

سروشکل، نه به‌نفع سینمایی است که هم‌اکنون ۱۵۰ فیلم دیوشده دارد و نه، صاحبان آثار استقبالی از تداوم این روند به عمل خواهند آوردند.

در شرایط جدید یا باید با لایالش فیلم‌هایی که مستعد اکران سینمایی هستند، مدت زمان نمایش آثار را کوتاه کرد و با پولاتی‌کردن سانس‌های شبانه (که پیش‌تر با استقبال مردم مواجه شده بود اما برخی نهادها از اجرایی شدن آن خودداری کردند)، گیشه آثار را بدون فوت وقت، در زمان کوتاهی به‌آن محل مطلوب برساند. طبق این فاکتور، سقف و کف‌نمایش آثار، کاهش پیدا کرده اما با این‌بین رفتن سانس‌های مرده صبحگاهی یا ظهرگاهی، بر تعداد سانس‌های شبانه و نیمه‌شب آثار افزوده شده و بدین ترتیب، یک فیلم به فروشی که پیش‌تر در هفت هفته به دست می‌آورد، حالا مثلاً در چهار یا پنج هفته خواهد رسید.

یک روش دیگر، از بین‌بردن سیستم سرگروگی است که تا پیش از این، برخی تهیه‌کنندگان به رانتی‌بودن آن اعتراف داشتند. در صورت حذف سیستم سرگروگی، باید روشی اتخاذ شود که سینماهای سراسر کشور را به‌نمایش آثار متنوع تشویق کرد و نه تنها آثار پرفروش که همان بحران فیلم‌سوزی قبل، این بار و در شرایط جدید نیز رقم خواهد خورد. ساده‌ترین و دم‌دستی‌ترین روش کوتاه کردن صف اکران، راضی کردن صاحبان آثار برای نمایش در وی اودی‌هاست. اتفاقی که در همان روز نخست منجر به قاچاق فیلم و سر درآوردن ریلگان آثار در شبکه‌های مجازی و سواط دست‌فروش‌ها خواهد شد. بنابراین باید تسهیلاتی را برای برخی فیلم‌های بلند اتخاذ کرد که آنها راضی به این اقدام شوند. هرچند جز این مورد، می‌توان با نمایش صبحگاهی یا ظهرگاهی این آثار در سینماها، گردش گیشه‌ای این آثار را نیز فعال کرد.

این مهم با توجه به بودجه محدود سازمان سینمایی که طبق الگوریتم‌های سالیان گذشته، شاید برای سال آینده به ۳۰۰ میلیارد تومان برسد، بسیار نامایق‌کننده به‌نظر می‌رسد. سازمان سینمایی باید به یک بازتعریف جدیدی از کمک‌های اقتصادی برسد که طبق آن، بودجه و هزینه‌های جاری طرح‌هایی از این دست (متماثل کردن صاحبان آثار به نمایش‌های اینترنتی) از محل بودجه مستقیم خود از دولت محقق نشود؛ بودجه‌ای که به تلاوب و درطول سال، در اختیار این سازمان قرار گرفته و عموماً تمامی مبلغ نیز محقق نمی‌شود. یکی از این راهکارها، شرکت دادن آثار در جشنواره‌های داخلی و خارجی است. تیم‌بازاریابان بین‌المللی سازمان سینمایی نیاز به تعیین هدف‌های جدیدی دارند تا آثار دیوشده سینمایی، فارغ از دولتی یا مستقل، توان شرکت در جشنواره‌های داخلی و خارجی را داشته و با جواز احتمالی که به دست می‌آورند، ضمن تشویق به اکران اینترنتی، بخشی از سرمایه خود را نیز از این طریق (شرکت در جشنواره‌ها) به دست‌آورند. سیاست نسبتاً عجیبی که در برخی کشورها اعمال شده و باید در ایران بازطراحی شود.

با این روش‌ها، می‌توان از صف فیلم‌های آماده اکران کاست. یعنی اگر سازمان سینمایی بتواند نیمی از این ۱۵۰ فیلم را هم از طریق اکران اینترنتی عرضه کند و برای اکران سینمایی نیز برنامه‌های جدیدی تعبیه کند، می‌توان به حل این معضل، طی دو تا سه سال آتی امیدوار بود. گرچه از آن‌سو نیز دیگر آن فشار



تولیدی قبل بر سینمای ایران سنگینی نمی‌کند. کرونا سبب شده تا برخی کارگردانان تا نابودی کامل این ویروس دست نگه دارند و برخی دیگر هم به پروژه‌های شبکه نمایش خانگی سرگرم هستند بنابراین با کاهش تولیدات سالانه، می‌توان به نمایش آثار دیوشده امیدوار بود.

هرچند این مهم، مستلزم اجرایی‌شدن بدون فوت‌وقت است. هم‌اکنون تقریباً پنج‌ماهه‌نیم زمان تا پایان سال باقی مانده و اگر بتوان حداقل تا پایان مهر، به سازوکار مشخصی که موردتوق جمع کثیری از سینماگران، بخش‌کننده‌ها و سینماداران باشد، رسید، می‌توان به‌گره‌گشایی از معضل دو‌سال اخیر سینمای ایران یعنی فیلم‌های اکران‌نشده امیدوار بود.

### انتظاری که از مدیر جدید سازمان سینمایی می‌رود

تمام این اوا‌اگر و امیدواری‌ها، زمانی قابلیت اجرایی پیدامی‌کنند که سیاستگذاری‌ها بتوانند مردم را به سینماها بکشانند. گروهی بر این باور هستند که اکران فیلم‌های مخاطب‌پسند به‌تنهایی قادر خواهند بود تا مخاطبان را به سینما بکشانند. اما این مولفه در شکل جمع‌چندان موفقیتی به دست نیاورد. به‌عنوان مثال «دینامیت» که هم‌اکنون سه‌ماه در تهران و شهرستان‌ها به‌روی پرده رفته، تاکنون نتوانسته حدود ۶۲۶ هزار مخاطب را به سینماها بکشاند.

بنابراین دو‌وبازی اجرایی ابتدایی محمد خزاعی در گام نخست، موازی‌کاری‌هایی است که وی باید طبق آن از یک سو، صاحبان آثار پرمخاطب را به نمایش فیلم‌شان در سینما ترغیب کرده و از سوی دیگر، مخاطبان را به سینماها بکشاند. تعلل و اهمال در هر یک

از این دو بال، موفقیتی را برای پروسه اکران امروز سینمای ایران رقم خواهد زد. درحال حاضر دو فیلم «دینامیت» و «درخت گردو» که از آنها با عنوان «فیلم‌های مخاطب‌پسند» نامبرده

می‌شد، به روی پرده هستند اما وقتی اکران، شکل «جریان پیدانکرده و بیشتر تکثیر (رفر دیت) دارد، استقبال چندانی از آن صورت نگرفته و پروسه استقبال مخاطبان نیز به جای «روندی دائمی و ثابت،» شکل «مقطعی» به‌خودمی‌گیرد. بنابراین باید جریان اکران در هر بازه کوتاهی از فصل، مشتمل بر حداقل پنج فیلم باشد تا مردم بتوانند با داشتن حق انتخاب، نسبت به انتخاب فیلم خود همت کرده و به سینماها برگردند. البته که به موازات این دو بال، باید فکری هم برای انبوه سالن‌های تعطیل سینمایی کرد، سالن‌هایی که یا در فکر تغییر مالکیت هستند یا اقتدر مقروض شده‌اند که با اخراج پرسنل خود، ماه‌های متمادی است که چراغ آنها روشن نشده است. این همگرایی برای سازمان سینمایی بسیار دشوار خواهد

بود. به‌فرض راضی‌کردن صاحبانی که در تصور تغییر مالکیت هستند، بدهی‌های سینماداران به‌دافت‌ریخش، کارگران خودحتی قرض‌های شخصی‌شاید به اندازه کل بودجه‌شاه ماه دوم امسال این سازمان برسد که باید دید زیرکی خزاعی در سامان دادن به این وضعیت چگونه خواهد بود.

مقوله سروسامان دادن به فیلم‌های دیوشده ایرانی، حکم «چشم اسفندیار» را دارد. می‌توان با ارائه راهکارهایی اجرایی، روئین‌تن ماند و به موفقیت رسید یا می‌توان با اهمال کاری از همین نقطه، زمینه‌های سراسیمگی بیشتر را برای سینمای ایران فراهم آورد. خزاعی و تیم همراهش اگر زیرکانه‌تر به مقوله ورود کنند، می‌توانند ضمن بازگشایی گره اکران در سینمای ایران، تا حدودی به منافذ فسادخیز سینمایی‌ما وارد شده و سیاست‌هایی برای آن در نظر بگیرند. از این منظر می‌توان به این‌بار توافیکی اکران، به چشم «فرصت» نگریست که باید منتظر ماند و دید که در کوتاه‌مدت، از این فرصت چه استفاده‌هایی در جهت ارتقای داده‌های آماری و کیفی به عمل خواهد آمد؛ یک فرصت محدود برای سینمای ایران که با تبدیل به «تهدید» بیشتر می‌شود یا «امکان» را برای سینمای ایران به ارمغان خواهد آورد. حالا «محمد خزاعی» در آوردگاهی جدیدتر، صریح‌تر و حتی بی‌رحم‌تر از جشنواره فیلم فجر و مقاومت، حکم زده خواهد شد.